

نشریه علمی - پژوهشی
پژوهشنامه زبان و ادب فارسی (گوهر گویا)
سال چهارم، شماره دوم، پیاپی ۱۴، تابستان ۱۳۸۹، ص ۱۰۲-۷۷

بررسی ساختار اسطوره‌ای در داستان سام‌نامه

زرین واردی* - حمیده نظری اصطهباناتی**

چکیده

بسیاری از داستان‌های کهن حماسی و عامیانه زیر بناهایی اساطیری دارند. شخصیت‌ها، موجودات و حوادث این گونه داستان‌ها غالباً در لایه‌ای اساطیری پیچیده شده‌اند، چنان‌که گاهی تمیز واقعیت از افسانه دشوار می‌نماید.

سام‌نامه منظومه‌ای نیمه حماسی - نیمه غنایی است که داستان سفر سام را برای یافتن معشوقش بیان می‌کند. این منظومه که شامل تعداد زیادی داستان‌های تو در تو کوتاه است، از برخی جهات دارای الگوها اساطیری است. ریشه برخی از این الگوها را در اسطوره‌های ایرانی؛ بخصوص در اوستا و شاهنامه می‌توان یافت و ردپای بعضی دیگر را در اساطیر ملل غیر ایرانی می‌توان جستجو کرد. سام، قهرمان سام‌نامه قابل قیاس با انسان خدایان اسطوره‌های غیر ایرانی و پهلوانان اسطوره‌ای ایرانی است. همچنین شخصیت‌های زن سام‌نامه دارای وجوه تشابه فراوانی با ایزدبانوان اسطوره‌ای است. آنچه در این پژوهش کوتاه مورد نظر است، یافتن بن‌مایه‌های اساطیری در برخی از حوادث پیش روی سام و مقایسه قهرمان و برخی شخصیت‌های این منظومه با الگوهای اساطیری است.

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز zvaredi@rose.shirazu.ac.ir

** کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز h.nazari@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۴/۲۶

تاریخ وصول: ۱۳۸۸/۶/۱۸

واژه‌های کلیدی

سام نامه، اسطوره، انسان، خدا، ایزد بانو، نیروهای متافیزیکی، دیو و اژدها

مقدمه

۱- معرفی سام نامه

سام نامه منظومه‌ای حماسی-غنائی و منسوب به خواجهی کرمانی است که پس از قرن ششم سروده شده است. داستان این کتاب درباره عشق سام فرزند نریمان، نیای رستم، به پریدخت دختر فغفور چین است. مطالب این مثنوی دنباله افسانه‌های اصیل و باستانی مربوط به حماسه ملی ایران نیست؛ بلکه از روایات عامیانه شفاهی و پراکنده جمع آوری شده و سراینده آنها را سر و سامان داده است (سرکاراتی، ۲۳: ۱۳۷۰). صفا معتقد است که این منظومه متعلق به اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری است (صفا، ۳۳۵: ۱۳۸۴).

انتساب سام نامه به خواجهی کرمانی مورد تردید محققان است. نخست به این علت که در تذکره‌های مهم زبان فارسی و کتب تاریخ ادبیات مانند براون و ریپکا اشاره‌ای به انتساب سام نامه به خواجه نیست. دوم به این دلیل که سام نامه دارای ضعف‌های لفظی و معنوی و ساختاری و ابیات ناتندرست و نقائصی است که در دیگر آثار خواجه مشاهده نمی‌شود (رستگار، ۴۴: ۱۳۷۰-۴۶). از طرفی نسخه‌هایی که از سام نامه موجود است، همگی ناقص هستند و سراینده اثر و تاریخ اتمام، در آنها مشخص نیست.

مهمترین دلیلی که در انتساب سام نامه به خواجهی کرمانی آورده شده، شباهت بسیار زیاد این اثر با مثنوی «همای و همایون» است که البته در تعلق آن به خواجهی کرمانی هیچ تردیدی نیست. سام نامه و همای و همایون دارای ابیات مشابه زیادی هستند و اصولاً اسکلت داستان هر دو کتاب یکی است. مسأله شباهت این دو کتاب و انتساب سام نامه به خواجهی کرمانی نخستین بار توسط اشپیگل شرق شناس مشهور آلمانی، در مقاله‌ای مطرح شد و پس از آن در ایران، افرادی؛ از جمله هدایت الله تیر سینا و سپس منصور رستگار از این فرضیه دفاع کردند و دلایلی بر این امر بر شمردند.

۲- پیشینه تحقیق

تنها نسخه چاپ شده از کتاب سام نامه که اساس کار این پژوهش نیز بوده است، نسخه‌ای است که در

بمبئی به چاپ رسیده است و توسط اردشیر بن شاهی معروف به «خاضع» تصحیح شده است. این نسخه که کامل‌ترین نسخه از این اثر است، متأسفانه پر از سهوهای کاتب است و دارای حدود ۱۴۵۰۰ بیت است. به همین دلیل نسخه صحیحی در دسترس ادب دوستان قرار نداشته است و این موجب شده است که سام نامه چنان که حق اوست، شناخته نشود؛ لذا تحقیقات انجام شده بر روی آن نیز بسیار محدود است. بخش اصلی این تحقیقات مربوط به مقایسه این اثر با کتاب «همای و همایون» خواجوی کرمانی است. برخی محققان سعی کرده‌اند، با استناد به تشابهات فراوان این دو کتاب، انتساب سام نامه به خواجوی کرمانی را اثبات کنند. در ایران برای اولین بار سعید نفیسی سام نامه را از آثار خواجوی کرمانی برشمرد و پس از وی هدایت الله نیرسینا (نیر سینا، ۱۳۵۳: ۲۰۱-۲۰۹) و منصور رستگار فسایی (رستگار فسایی، ۱۳۷۰: ۴۴-۴۶) هر یک در مقالاتی جداگانه و بر اساس شباهت سام نامه و همای و همایون، دلایلی بر اثبات انتساب سام نامه به خواجوی کرمانی ذکر کردند. پس از ایشان تعداد بسیار معدودی مقاله بر این اثر نگاشته شد، از جمله مقاله ای از فرنگیس پرویزی که به بررسی زبان و بیان و کاربرد برخی قواعد دستوری در سام نامه پرداخته است و دیگر مقاله وحید رویانی است که ایراداتی به دلایل اثبات انتساب سام نامه به خواجوی کرمانی وارد کرده اند.

سام نامه در دانشگاه مشهد به عنوان رساله دکتری توسط وحید رویانی تصحیح شده است و در دانشگاه شیراز جلد اول توسط خانم اعظم السادات ناصحی و جلد دوم توسط حمیده نظری (یکی از نویسندگان مقاله حاضر) شرح شده است. قابل ذکر است، شرح جلد اول و دوم سام نامه به راهنمایی خانم زرین واردی به انجام رسیده است.

۳- روش تحقیق

در این تحقیق ابتدا ابیاتی از سام نامه که به نظر می‌رسید دارای عناصر اساطیری باشند، فیش نویسی شد. سپس با مطالعه در کتب اسطوره ای ایرانی و غیر ایرانی موارد مشابه و قابل مقایسه با سام نامه از این کتاب ها نیز جمع آوری شد و در آخر به دسته بندی و مقایسه نمونه های مورد نظر پرداخته شد. با توجه به حجم زیاد کتاب سام نامه، اذعان داریم که ممکن است برخی نکته‌ها که از لحاظ اسطوره‌ای قابل بحث می باشند، از دید ما پنهان مانده باشند. بعلاوه با توجه به محدودیت حجم مقاله امکان شرح و توضیح مفصل در مورد برخی نمونه ها ممکن نشد.

همه ملت های کهن جهان از اسطوره های خاص خود بهره مندند و با تعمق در اساطیر ملل مختلف می توان تشابهات فراوانی بین آن ها مشاهده کرد. این شباهت ها باعث گردیده که ردپای اسطوره های یک ملت در داستان های ملتی دیگر نیز یافت شود.

اسطوره ها در فرهنگ ایرانی نیز نقش مهمی ایفا می کنند و اکثر مجموعه های حماسی ایرانی دارای بن مایه های اساطیری هستند. اغلب این قصه ها درباره اعمال قهرمانانه جنگجویان دلیر و فوق بشری علیه دشمنان غیر طبیعی است. بخش عمده ای از این اسطوره ها در کتاب شاهنامه وجود دارد. در اوستا و متون زرتشتی نیز بخش هایی از داستان های اساطیری و موجودات افسانه ای وجود دارد. همچنین با بررسی مجموعه های حماسی ایرانی می توان ردپای اسطوره های یونانی، رومی، هندی و... را نیز در آن ها مشاهده کرد.

سام نامه نیز از این امر بی بهره نیست و در جای جای این اثر نمادهای اساطیری دیده می شود. منظومه سام نامه با شاعری تقریباً نامعلوم، مثنوی نیمه حماسی، نیمه غنایی است که به شرح رشادت ها و پهلوانی های سام نریمان از چهارده سالگی پرداخته است. در این اثر سام، به بهانه عشق پریدخت اعمال خارق العاده و رشادت های خود را به نمایش می گذارد.

۱- ساخت کلی داستان

• سفر سام

ساختار کلی داستان سام نامه از نوع داستان های تو در تو است. سام که با دیدن تصویر پریدخت چینی دلباخته او شده است، برای یافتن او سفری طولانی را آغاز می کند. او در طول این سفر با حوادث متفاوتی روبه رو می شود و ناگزیر می گردد با موجودات عجیب و غریبی مبارزه کند. سفر سام از این لحاظ شباهت زیادی به سفر اودیسه دارد. سام در سفر خود مانند اودیسه درگیر حوادث پی در پی و محیرالعقول است. اودیسه پس از تمام شدن جنگ تروا به سوی وطن خود حرکت می کند. او که بی تاب ملاقات همسر باوفایش پنه لوپه (Penelope) و پسرش تلماک (تلماخوس Telemachos) است، بر اثر راهنمایی پیشگوها و رؤیاهایی که می بیند به مکان های گوناگون می رود و درگیر ماجراهای متفاوتی می گردد.

سام نیز به عشق دیدن پریدخت سفر خود را به راهنمایی سرورش - که در رؤیاهای سام حضور

دارد- آغاز می کند و در طول این مسیر مخاطره انگیز با هیولاها و موجودات مافوق طبیعی برخورد می کند که هر یک مانع او در راه رسیدن به مقصد هستند.

سام در این سفر از پیشگویی ها و راهنمایی های سرش استفاده می کند و در مواقع لزوم از امداد الهی بهره مند می گردد. در داستان اودیسه نیز آتنه (آتنا Athena) الهه خردمندی و جنگ، اودیسه را حمایت می کند.

• ازدواج

همچنین داستان سام نامه از الگوی ازدواج برون خانواده ای تبعیت می کند. در این نوع ازدواج مرد با زنی از طایفه ای جز طایفه خود ازدواج می کند، زادگاهش را ترک کرده و با اقوام همسرش زندگی می کند. طبق این الگو پسران پادشاهان نیز مانند دیگر مردم به هنگام جوانی خانواده خود را ترک کرده و با دختری از تباری دیگر ازدواج می کردند و تا آخر عمر نزد خانواده همسر خود زندگی می کردند. دختران شاه در خانه پدر در انتظار خواستگاری لایق باقی می ماندند و به این ترتیب جانشینی به جای پسر پادشاه به داماد او می رسید (فریزر، ۲۰۷:۱۳۸۷).

طبق گفته ج. فریزر ردپای این الگو در داستان های عامیانه باقی مانده است (همان، ۲۰۹). در این گونه داستان ها پسر یک پادشاه یا یک نجیب زاده عاشق دختر زیباروی پادشاه سرزمینی دیگر می گردد و برای به دست آوردن معشوق خود به سفری طولانی می رود و گاهی اوقات ناگزیر است، برای به دست آوردن دل پدر معشوق خود، با اژدها نبرد کند یا به اعمال عجیب و خارق العاده دست بزند. در سام نامه سام با دیدن تصویر پریدخت، دختر فغفور چین عاشق او می شود و برای یافتن و ازدواج با او راهی سرزمین چین می شود.

در برخی قصص اساطیری دیوی جادو دختری را می رباید و قهرمان داستان دختر را از دست آن دیو نجات می دهد و در برخی مواقع با او ازدواج می کند. در اسطوره رامایانا (Ramayana)، راونا (Ravana) تصمیم به ربودن سیتا (Sita)، همسر راما (Rama) می گیرد تا به این وسیله راما را از پای درآورد و نابود کند. راما از میمون ها کمک می گیرد تا جای سیتا را بیابد. راما پس از یک رشته جنگ های شدید رکشاساها را شکست داده و راونا را می کشد و سیتا را آزاد می کند (روزنبرگ، ۶۶۷:۱۳۸۶).

در داستان سام نامه پریدخت چینی توسط دیوی به نام «آبرها» ربوده و زندانی می شود. سام با تلاش فراوان او را از دست ابرها نجات می دهد و در انتهای داستان با او ازدواج می کند.

۲- انسان - خدا

در اغلب داستان های اسطوره ای پهلوانان و خدایان در کنار هم در صحنه های گوناگون حضور دارند. در اساطیر، دنیای پهلوانان و دنیای خدایان به طور مشخص از هم تفکیک نمی شوند. خدایان مانند انسان ها زندگی می کردند. آنان می خوردند، می خوابیدند، ازدواج می کردند، بچه دار می شدند، به افراد مورد علاقه خود کمک می کردند و با آنان که موجب ناراحتی و ناخشنودیشان بودند، رفتاری خصمانه داشتند.

گروهی از این خدایان بتدریج از جهان خدایی بیرون آمده و به عنوان پهلوانان وارد جهان حماسه ها گشته اند. «علاوه بر نقشی که خدایان در اغلب حماسه ها بر عهده دارند، بسیاری از خدایان اقوام کهن به صورت شاهان و پهلوانان در حماسه ها ظاهر می شوند...» (بهار، ۱۳۸۷:۳۷۴).

این امر در ابتدا با نیمه خدایی بودن پهلوانان و نسبت دادن پدر یا مادری آسمانی به آنان آغاز گردید. انسان- خدایان گروهی از انسان ها بودند که تصور می شد، نیمه الهی هستند و از پدر یا مادری آسمانی به وجود آمده اند. اینان به دلیل برخوردار از نیروهایی فوق طبیعی و فوق انسانی برتر از انسان ها پنداشته می شدند. «تصور انسان - خدا یا انسانی برخوردار از نیروی خدایی یا فوق طبیعی اساساً به دوره اولیه تاریخ دین تعلق دارد که خدا و انسان هنوز موجوداتی از یک سنخ پنداشته می شوند و ورطه ای گذرناپذیر که در تفکر آتی بین آن ها گشوده می شود، آن ها را از هم جدا نکرده است» (فریزر، ۱۳۸۷:۱۳۲).

بنابراین بسیاری از پهلوانان اسطوره ای یا در دودمانی اشرافی به دنیا آمده بودند یا دارای پدر یا مادری آسمانی بودند. هراکلس (هرکول) بزرگ ترین پهلوان یونانی نیمه خدایی بود. او فرزند زئوس، پادشاه خدایان المپ نشین (Olymp) بود.

آشیل بزرگترین پهلوان یونانیان در جنگ تروا موجودی نیمه الهی بود. او فرزند الهه تتیس (Tetis) که ک پری دریایی زیبا بود) و یک انسان فانی به نام پلیوس (Peleus) بود (برن، ۱۳۸۱، ص ۴۲). گیل گمش (Gilgamesh) پادشاه شهر اوروک (ارخ) (Uruk) و پر آوازه ترین پهلوان اسطوره ای آشوری- بابلی نیز نیمه خدایی بود. « دو سوم وجود او ایزدی و یک سومش انسان گونه بود» (ژیان، ۱۳۷۵:۹۵).

مسأله ورود خدایان به حماسه ها درباره خدایان هند و ایرانی نیز صادق است. «این تحول که شاید از عصر اوستا آغاز می گردد، در عصر اشکانیان و ساسانیان کمال می پذیرد و بخشی از آن در شاهنامه متبلور است» (بهار، ۱۳۸۷:۴۹۱).

در حماسه های ایرانی نیز قهرمان حماسه، غالباً موجودی فوق طبیعی است و مایه های الهی و فوق انسانی دارد. هر چند « بصراحت قهرمان را فرزند خدا ذکر نکرده اند» (شمیسا، ۱۳۸۳:۷۷).

در اوستا و بخشی از شاهنامه شاهان و قهرمانان دارای فره (در اوستا خورنه) بوده اند. «در اوستا از پادشاهان سلسله پیشدادیان و سپس کیانیان بسیار ستایش شده و از آن ها به عنوان دارندگان فره (خورنه) نام برده شده است» (کرتیس، ۱۳۸۱: ۳۰). این امر را می توان از نشانه های نیمه خدایی بودن این افراد قلمداد کرد. در سام نامه نیز سام از این نشانه و موهبت الهی بهره مند است.

همان گونه که اغلب خدایان دارای شخصیت های اخلاقی هستند و صفاتی نظیر صداقت، جوانمردی، مبارزه با ستم و حمایت از ضعیفان به آنان نسبت داده می شود، پهلوانان نیز که موجوداتی نیمه خدایی تصور می شده اند، به این صفات متصف بودند. آنان معیارهای اخلاقی و رفتاری را رعایت می کردند و علاوه بر این از لحاظ ظاهری نیز خوش سیما و جذاب، قوی بنیه و شجاع بودند.

«آنچه از همه بیشتر در خدایان آریایی به چشم می خورد، قدرت ایشان است. خدایان قادر به انجام هر عملی اند و تنها ایشانند که قادر به برآوردن آرزوهای مردمانند» (بهار، ۱۳۸۷:۴۶۲).

«اسطوره های جهانی قهرمان همواره به مردی بسیار نیرومند یا نیمچه خدایی اشاره دارد که بر بدی ها در قالب اژدها، مار، دیو و ابلیس پیروز می شود و مردم خود را از تباهی و مرگ می رهاند» (یونگ، ۱۳۸۱:۱۱۲).

در شاهنامه فردوسی رستم دارای خاندانی پهلوانی و نسبی والاست. او فرزند زال و نوه سام نریمان است. «رستم و خاندانش در شاهنامه به عنوان شاهان سیستان در شرق ایران توصیف شده اند» (کرتیس، ۱۳۸۱: ۴۳). او دارای قدرتی ماوراء طبیعی است. هنگامی که یک روزه بوده گویی یک سال داشته است. در نبرد با یک ژنده پیل هیچ مشکلی ندارد و با یک ضربه گرز خود بلافاصله او را از پای در می آورد. کردارها و نبردهای پهلوانی رستم بی شمار است و دلاوری و قدرت او با کمک اسب عجیب و دلاورش، رخس نیز بیشتر می شود (همان، ۴۷).

در شاهنامه سهراب، سیاوش و اسفندیار نیز کم و بیش دارای چنین خصایصی هستند. «سهراب در یک ماهگی مانند کودک یک ساله است. هنگامی که سه ساله می شود آموزش فن نبرد را آغاز می کند و در ده سالگی رقیب و همتایی ندارد» (همان، ۴۹).

در داستان سام نامه، سام از نسبی عالی برخوردار است. او فرزند پهلوانی نامدار به نام نریمان و

شاهزاده خانمی بلخی است. قدرت فوق انسانی او از کودکی نمایان است به گونه‌ای که در چهارده سالگی از نیروی جسمی شگفت‌انگیزی برخوردار است.

چو ده ساله عمرش گذشته چهار	نیارست شد چرخ با او دچار
به سر پنجه دست از دلیران ببرد	به زربخشی آب از کریمان ببرد
چنان شد که گر برگشودی کمین	شه چرخ را در ربودی ز زین

(خواجوی کرمانی، ۱۳۱۹: ۴۲/۱)

او چنان قوی و نیرومند است که از دیوان و موجودات اهریمنی که گاهی هیکل آنان چندین برابر سام است، نمی‌هراسد. با آنان مبارزه می‌کند و حتی یک زخم برنمی‌دارد. مبارزات سام با نهنگال، عوج بن عنق، خاتوره مادر عوج بن عنق، ارقم دیو، سمندان، ابرها و... نمونه‌هایی از دلاوری‌های سام است. سام خوش اندام و خوش سیما و بسیار شجاع است. زیبایی و جذابیت ظاهری او دختران جوان را به خود جلب می‌کند و این امر باعث می‌شود که او دلباختگان فراوان داشته باشد که البته گاهی اوقات برای او دردسرها آفرین است. همه این موارد گویای این امر است که سام پهلوانی فوق انسانی و دارای مایه‌های الهی است.

۳- نیروهای متافیزیکی

• پیشگویی

نیروهای متافیزیکی و غیبی در غالب داستان‌های اسطوره‌ای وجود دارد. نیروهای متافیزیکی که اغلب به صورت ارتباط خدایان و الهگان با قهرمانان و پیشگویی سرنوشت آنان وجود داشته نقش مهمی در شکل گرفتن یک اسطوره داشته است. پیشگویی‌ها یا مستقیماً از طریق خدایان و الهگان انجام می‌شد و یا از طریق عوامل واسطه‌ای نظیر رؤیاها و طالع‌ها و عوامل انسانی از قبیل غیب‌گویان و خواب‌گزاران. شکل‌گیری برخی داستان‌های اسطوره‌ای مشهور ناشی از چگونگی برخورد شخصیت‌های داستان با پیشگویی‌ها می‌باشد. در اسطوره اودیپ (Odipus) چون یک غیبگو پیش‌بینی کرده بود که لایوس (Laios) به دست فرزندش کشته خواهد شد، اودیپ تازه ولادت یافته، به چوپانی سپرده شد تا بر فراز کوه کیتایرون (Cithayron) گذاشته شود و قوزک پایش را چنان مجروح کردند که نتواند از جایش تکان بخورد (برن، ۱۳۸۱: ۹۳). چنان که می‌دانیم این امر باعث ناشناخته ماندن پدر و پسر و به

وجود آمدن ماجراهای شگفت انگیزی شد.

در اسطوره ای دیگر زئوس (Zeus) پادشاه خدایان یونانی، عاشق پری دریایی زیبایی به نام تتیس بود؛ اما به موجب یک پیشگویی، زئوس آگاه شد که پسر تتیس به مقامی برتر از پدر خود دست می‌یابد. بنابراین زئوس از او صرف نظر کرد و او را به ازدواج یک انسان فانی به نام پلیوس درآورد. فرزند این دو آشیل (آخیلوس) بزرگ ترین پهلوان یونانیان در جنگ تروا بود (همان، ۴۲).

اودوسئوس (Odysseus) (اودیسه) پادشاه ایتاکا (Ithaca) و از پهلوانان جنگ تروا (Troy) بر این پیشگویی آگاه بود که چنانچه به جنگ تروا برود به مدت بیست سال سرگردان خواهد بود (همان، ۴۰). در اسطوره های آشوری - بابلی هنگامی که خدایان تصمیم می گیرند، توفان بزرگی بر انسان نازل کنند و نژاد انسان را براندازند، ائا (Ea) (ایزد آب ها) به جد گیل گمش به نام اوت - نه - پیش - تیم (Ut-napishtim) وقوع فاجعه را اطلاع می دهد و او از نابودی نوع بشر جلوگیری می کند (مک کال، ۱۳۷۹: ۶۵).

نیروهای متافیزیکی در حماسه‌های ایرانی نیز وجود دارد. «قهرمان با خدایان مربوط است و با او سخن می گوید» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۷۷). در حماسه های ایرانی این امر به صورت راز و نیاز قهرمان با خدای یگانه نمود پیدا کرده است.

سام پیش از شروع هر کاری نام خدا را بر زبان می آورد و از او استعانت می جوید. در سام نامه نقش خدایان پیشگو بر عهده سروش است. سروش در خواب و رؤیا بر سام ظاهر می شود و راهنمایی ها و دستورات لازم را به او الهام می کند. در تمام موارد سروش از طرف پروردگار و به نیابت از او با سام ارتباط دارد.

در ابتدای داستان سام نامه، پس از آن که سام با دیدن تصویر پریدخت بر پرده، دلباخته او می شود و از خود بیخود می گردد، سروش در عالم بیهوشی بر او ظاهر می گردد و به سام دستور می دهد که برای یافتن پریدخت رهسپار سرزمین چین شود و پیشگویی می کند که در آن جا سعادت در انتظار سام است و به وصال پریدخت می رسد.

به چین رو که فالت همایون شود ز ماه رخس مهرت افزون شود

به چین زلف دلبر توانی کشید که از چین شود نافه چین پدید

(خواجوی کرمانی، ۱۳۲۹: ۵۰/۱)

پس از آن و در مسیر آن سفر صعب، هر زمان که نیاز باشد، سروش حضور دارد و از طرف پروردگار سام را یاری می کند.

در داستان نبرد سام با ارقم دیو، پیش از آغاز نبرد سام با خداوند سخن می گوید و از او کمک و پیروزی می طلبد. در این هنگام بیهوش می شود و سروش در رؤیا، مژده پیروزی بر ارقم دیو را به سام می دهد و آینده‌ای روشن برای خاندان سام و به وجود آمدن نیره ای دلیر از نسل سام (رستم) را پیشگویی می کند.

نیره کی نامور پیلتن دهیمت یکی گرد لشکرشکن
(همان، ۱۹۵/۲)

عوج بن عنق دیوی ترسناک و قوی هیکل است چنان که:

همه دشت پر گشته از پیکرش ورا بود تا پشت پا صد ارش
یکی را به زانوش فرسنگ بود زمین و زمان بر تنش تنگ بود
(همان، ج ۲: ۲۳۶)

در سام نامه، سام دو بار با او مبارزه می کند. پیش از شروع دومین نبرد سروش، سام را از نتیجه جنگ آگاه می کند تا سام خود را برای کشتن آن دیو به زحمت نیفکند؛ زیرا مقدر نیست که عوج به دست سام کشته شود، بلکه در زمان حضرت موسی و با ضربه عصای او کشته خواهد شد.

• حمایت خدایان

از جنبه های دیگر حضور نیروهای متافیزیکی در اساطیر، حمایت خدایان از قهرمانان است. این مسأله در بیشتر داستان های اسطوره ای قابل مشاهده است. «اسطوره قهرمان ویژگی بسیار مهم دیگری نیز دارد که در واقع کلید دستیابی به درک آن است. در بسیاری از این افسانه ها قدرت های پشتیبان یا نگاهبان، ناتوانی اولیه قهرمان را جبران می کنند و وی را قادر می سازند تا عملیات خود را که بدون یاری گرفتن از آن ها نمی تواند انجام دهد به انجام برساند» (یونگ، ۱۶۴: ۱۳۸۱).

خدایان داستان های اساطیری در سام نامه به صورت دوستان و دشمنان انسانی سام نمود پیدا کرده اند و حب و بغض آنان در سفر پر ماجرای سام، سمت و سوی جریان داستان را تعیین می کند. در داستان ایلید، آتنا (اله خرد و جنگ) از الهگان مخالف تروا، به یونانیان می آموزد که اسب

چوبی بزرگی بسازند و پهلوانان خود را در آن پنهان کنند.

در به انجام رساندن دوازده خوان هراکلس (Herekles) (هر کول) پهلوان یونانی، برخی از خدایان او را حمایت می‌کنند. آرتمیس (Artemis) - الهه شکار - اجازه می‌دهد تا هراکلس، گوزن زیبا و رمنده کرونیس (Cronites) که هراکلس یک سال او را دنبال کرده تا بتواند بدون آسیب زدن او را بگیرد، نزد اوروستیوس (Eurystheus)، پادشاه آرگوس (Argos) ببرد (برن، ۲۳: ۱۳۸۱). هادس (Hades)، برادر زئوس که پادشاه جهان زیرین (سرزمین مردگان) است و همسرش پرسفونه (Persephone) سگ شکاری جهنم را که هیولای سه سر هولناک است به هراکلس قرض می‌دهند تا یکی از خوان هایش را به انجام برساند (همان، ۲۷). الهه آتنا از الهگان حامی ادودستوس (اودیسه) در سفر پر مخاطره اوست (همان، ۶-۷۰).

در سام نامه حضور نیروهای متافیزیکی فقط به راهنمایی‌ها و پیشگویی‌های سرش ختم نمی‌شود. هر زمان که سام در نبرد با حریفان غول آسای خود درمانده می‌گردد، دست نیاز و تمنا به سوی پروردگار دراز می‌کند و از او یاری می‌جوید. بدون درنگ امداد غیبی برای یاری سام فرستاده می‌شود.

شداد که ادعای خدایی دارد بهشت و جهنمی برای خود ساخته است. جهنم شداد در دره کوه آذر برپاست و دیوی به نام سمندان از آتش آن محافظت می‌کند. سام در تلاش برای خداپرست کردن شداد، در پی خاموش کردن آتش این جهنم برمی‌آید؛ اما نمی‌تواند آن را خاموش کند. در این هنگام از خداوند درخواست کمک می‌کند و بلافاصله امداد غیبی در قالب بارانی سیل آسا برای کمک به او فرستاده می‌شود و آن آتش عظیم خاموش می‌گردد.

از آن ابر بارید باران چنان
که آن دره پیر شد از آب روان
همه آتش دره را آب ببرد
چه آب آمد از کوه آتش فسرده
همه آتش از فر مرد سره
به فرمان یزدان بشست از دره
(خواجوی کرمانی، ۱۳۲۹: ۱۰۷/۲)

همچنین در نبرد سام و تکش خان با فغفور چین هنگامی که نزدیک است، سپاه فغفور بر لشکر سام چیره گردد، سام به درگاه الهی رو می‌کند و استعانت می‌جوید. بی درنگ سپاه تمرتاش که به کمک فرهنگ دیوزاد خداپرست گردیده است، به همراه فرهنگ دیوزاد و پریدخت برای پشتیبانی لشکر سام از راه می‌رسند.

۴- نقش زنان و ایزدبانوان

سام نامه در عین حال که در زمره منظومه های حماسی ایرانی جای دارد، دارای وجهی عاشقانه نیز هست. جنبه عاشقانه این اثر چه از لحاظ تعداد و چه از لحاظ کیفیت ابیات بر جنبه حماسی آن ارجحیت دارد. در این اثر حماسی - غنایی زنان حضوری محکم و مؤثر دارند و بسیاری اوقات، این زنان هستند که سمت و سوی جریان داستان را تعیین یا تعویض می کنند. با اندکی دقت درمی یابیم، زنانی که در سام نامه توصیف می شوند، از خصوصیات الهگان و ایزدبانوان داستان های اساطیری بهره مندند. با مطالعه این توصیفات و مقایسه با خصوصیات الهگان باستانی به واقع به این باور می رسیم که « زن مطرح در شعر غنایی در اصل یک ایزد بانوست » (شمیسا، ۱۴۰: ۱۳۸۳).

• شباهت های شخصیت های زن سام نامه با ایزدبانوان

زنان در سام نامه عموماً زیبا، خردمند، جسور و جنگاور هستند. توصیفات که از زیبایی و ملاحظت آنان در سام نامه آمده است، بی شباهت به خصوصیات ظاهری ایزدبانوان نیست. برای روشن شدن مطلب دو نمونه از این توصیفات دلنشین آورده می شود.

توصیف شمسۀ خاوری:

ملک ضمیران شاه خاور زمین	یکی دخترش بود چون حور عین
به بالا خرامنده سرو بلند	به گیسو برآشفته مشکین کمند
درخشان رخس چشمۀ آفتاب	درافشان لبش چشمۀ نوش یاب
دو برگ گلش سوسن مشک پوش	دو لعل لبش شهد و شکر فروش
شب دلستانش شبستان دل	گل لاله رنگش گلستان دل
دو جادوی مخمورش از خواب مست	دو هندوش در آب افکنده شست
لبش نوش داروی هر دردمند	سر زلفش آشوب هر پای بند
سیه زلف[و] در زلف مشکینش ماه	زنج سیب و در سیب دلگیر چاه
سمن بوی، نسرین بر و خوش خرام	به رخ شمع طلعت، بُدش شمسۀ نام

(خواجوی کرمانی، ۱۳۲۹: ۸۶)

توصیف الهه آناهیتا

«آنگاه اردویسوراناهایتا به پیکر دوشیزه‌ای زیبا، برومند، برزمنند کمر بر میان بسته، راست بالا، آزاده نژاد، بزرگوار، موزه‌هایی درخشان تا مچ پا پوشیده و به استواری با بندهای زرین بسته روانه شد» (دوستخواه، ۱۳۸۲:۳۰۹).

این ایزد بانو با صفاتی چون نیرومندی، زیبایی و خردمندی به صورت الهه عشق و باروری نیز درمی‌آید (آموزگار، ۱۳۸۶:۲۳).

«اوست که تخمه همه مردان را پاک کند و زهدان همه زنان را برای زایش پالاید. اوست که زایمان همه زنان را آسانی بخشد و زنان باردار را به هنگامی که بایسته است، شیر [در پستان] آورد» (اوستا، ۱۳۸۲:۲۹۸).

«از تو باید دوشیزگان کوشا و شایسته، سرور و خانه‌خدایی دلیر خواهند. از تو باید زنان جوان به هنگام زایمان زایشی خوب خواهند.» (همان، ۳۱۳).

بنابراین شخصیت‌های زن سام نامه در واقع همان الهگان دنیای اساطیرند که وجهه‌ای زمینی یافته‌اند. آنان علاوه بر داشتن ظاهری دلپسند از خردمندی و جنگاوری نیز برخوردارند. زنان نیک سرشت سام نامه قادرند در هنگامه‌های سخت تصمیمات مهم اتخاذ کنند و با ترفندهای زیرکانه، هم خود را از مهلکه نجات دهند و هم به سام کمک کنند.

هنگامی که فغفور چین دختر خود را به زور به عقد ازدواج تمرتاش بت پرست درمی‌آورد، پریدخت برای فرار از این ازدواج تحمیلی راهی می‌اندیشد. شبانگاه که تمرتاش به نزد عروس خود می‌آید تا پرده از روی او برگیرد، پریدخت او را از این کار برحذر می‌دارد. پریدخت که در تب عشق سام می‌سوزد، وانمود می‌کند که از سام بیزار است و عشق او را در سر ندارد؛ اما به لات سوگند یاد کرده است که به هنگام ازدواج تا یک سال خود را از چشم شویش پنهان دارد. پریدخت در برابر اصرار و التماس‌های تمرتاش او را از خشم لات می‌ترساند و به این ترتیب خود را از دسترس همسر تحمیلی خود دور نگه می‌دارد تا اندکی بعد بتواند به کمک فرهنگ دیوزاد از آنجا بگریزد.

شمسه‌خاوری از دیگر شخصیت‌های زن سام نامه است که با شجاعت و درایت خود سام را از یک مهلکه سخت نجات می‌دهد. تئبل جادو، نام دیوی از شهر نیمه تنان است. او در جادوگری بی‌همتا است. آن دیو هولناک با جادوگری چشمان سام و یاران او را نابینا می‌کند و تا زمانی که زنده

است این جادو باطل نمی گردد. شمسه که از زیبایی فوق العاده‌ای برخوردار است، به یاری سام می‌شتابد. او ابتدا برای جلب اعتماد آن دیو، او را ستایش می‌کند و با وعده‌ای از دواج آن دیو نیم تن مخوف را می‌فریبد. سپس در خواب او را می‌کشد. با کشته شدن تنبل دیو، جادوی او نیز باطل می‌شود و سام و یارانش بینایی خود را باز می‌یابند.

• حبّ و بغض الهگان

در داستان‌های اسطوره‌ای برخی الهگان و ایزدبانوان قهرمان داستان را یاری می‌دهند و برخی علیه او کارشکنی می‌کنند. هراکلس در کلیه‌ی خوان‌های خود با تنفر الهه‌ی هرا (Hera) مواجه بود که همواره به فرزندان زئوس از زنان دیگر حسادت می‌ورزید. از طرف دیگر الهه‌ی آتنا از هراکلس حمایت می‌کرد (برن، ۲۳: ۱۳۸۱).

هنگامی که پاریس (Paris) بر فراز کوه به چراندن گوسفند مشغول بود، سه الهه‌ی آتنا، هرا و آفرودیت (Afrodite) برای داوری در مورد این که کدام یک از آن‌ها زیباترین هستند، نزد او رفتند. هر یک از آن‌ها به پاریس وعده داد در صورتی که انتخاب شود، پاداشی به پاریس خواهد داد. هرا ثروت و قدرت، آتنا نیروی نظامی و خرد و آفرودیت عشق زیباترین زن جهان، هلن، را به او وعده دادند. پاریس پاداش آفرودیت را ترجیح داد و با اعلام پیروزی وی، خشم پایان‌ناپذیر دو الهه‌ی دیگر را برانگیخت و آنان به دشمنان همیشگی تروا تبدیل شدند (همان، ۴۴).

الهه‌ی آتنا از حامیان هراکلس نیز بود (همان، ۲۳). آشیل (آخیلوس) پهلوان یونانی همواره از حمایت‌های مادرش، الهه‌ی تیتیس بهره‌مند بود (همان، ۴۷). شخصیت‌های زن سام نامه علاوه بر برخوردار بودن از ویژگی‌های ظاهری الهگان، از کارکردهای عملی آنان نیز بی‌بهره نبودند. شمسه، قمررخ و پرینوش همواره یاریگر سام و نجات‌دهنده‌ی او از مهلکه‌ها بودند، در حالی که عالم افروز در راه رسیدن سام به هدفش، کارشکنی می‌کرد. شمسه‌ی خاوری در برخی نبردها همراه و حامی سام است و بزرگ‌ترین از خودگذشتگی او باطل کردن جادوی تنبل دیو است. قمررخ دختر سهیل جهان سوز که پدرش کوتوال قلعه‌ای است که سام در ته چاهی در آن قلعه اسیر است. قمررخ در غیاب پدرش، سام را از بند می‌رهاند و او را فراری می‌دهد. پرینوش، دختر خاقان چین و دختر عموی پریدخت، سام را از بند دیوی به نام «ژند جادو» می‌رهاند و

او را برای کشتن آن دیو راهنمایی می‌کند.

• عشق زنان

از دیگر مشخصات داستان‌های اساطیری این است که غالباً زنان عاشق قهرمانان می‌شدند و در برخی موارد این عشق از سوی قهرمان رد می‌شد که این امر تبعات منفی برای قهرمان به همراه داشت. «برحسب الگوهای اساطیری و پهلوانی کهن می‌دانیم که معمولاً پهلوانان و خدازادگان ازدواج نمی‌کردند؛ بلکه زنان مشتاقانه به آنان می‌پیوستند» (شمیسا، ۱۳۸۳:۶۵).

جادوی فلوت کریشنا (Krishna) چنان نیرومند است که زنان شیرفروش با شنیدن نغمه دلنواز آن بی اختیار به دنبال کریشنا به جنگل می‌روند تا در زیر نور مهتاب با او برقصند و هر یک چنان شیفته‌ی اویند که کریشنا برای راضی نگه داشتن آنان به هنگام رقص خود را تکثیر می‌کند تا هر یک گمان کنند که کریشنا تنها با او می‌رقصد (پیکولا، ۱۳۸۵:۵۴).

در اسطوره ادویسه، پری زیبایی به نام کالیپسو (Calypso) عاشق ادویسه می‌شود، ادویسه عشق او را رد می‌کند؛ اما کالیپسو، او را هفت سال در جزیره خود نگه می‌دارد و در پس از پایان هفت سال با وساطت الهه آتنا او را رها می‌کند (برن، ۱۳۸۱:۶۷).

در اسطوره رامایانا «خواهر راونا دل در گرو عشق رامایا می‌گذارد؛ ولی وقتی رامایا دست رد بر سینه‌اش می‌زند، ارتش رکشاساها به وی می‌تازند. رامایا می‌تواند تمامی سپاهیان رکشاساها را به خاک هلاکت بیندازد» (روزنبرگ، ۱۳۸۶:۶۶۰).

در شاهنامه رستم در یک سفر شکار، در نزدیکی دشت‌های توران به خواب می‌رود و اسب خود را گم می‌کند. در جستجوی اسب به شهر سمنگان می‌رود و در این ماجرا تهمینه دختر زیبای پادشاه محلی سمنگان پس از شنیدن داستان‌های پهلوانی رستم دل در گرو عشق او می‌بندد و با او ازدواج می‌کند (کرتیس، ۱۳۸۱:۴۷).

در داستان سیاوش، سودابه‌کی از همسران کیکاوس در کمند عشق سیاوش گرفتار می‌شود و چون و سوسه‌هایش در سیاوش کارگر نمی‌افتد، سودابه سیاوش را به خیانت متهم می‌کند (همان، ۵۱).

در سام نامه - همان طور که گفته شد - سام با ظاهری بسیار دلپسند توصیف گشته است. تقریباً تمامی زنانی که در سام نامه حضور دارند، شیفته سام هستند. عالم افروز پری، پریدخت، شمسه

خاوری، قمر رخ همگی عاشق سام هستند. اما سام تنها عشق پریدخت را در سر می پروراند و به عشق دیگران اهمیتی نمی دهد. او به پاس فداکاری قمر رخ دختر سهیل جهان سوز، سه روز را با او می گذراند و سپس با اسب و سلاحی که قمر رخ برای او فراهم می کند به راه خود ادامه می دهد. شمسه از زنانی است که از اوایل داستان سام نامه عاشق سام می گردد و عشق خود را ابراز می کند. هر چند که این عشق از سوی سام رد می شود؛ اما شمسه از سام کینه‌ای به دل نمی گیرد و به عنوان یار و همراه در کنار سام باقی می ماند و به او کمک می کند. اما رد کردن عشق عالم افروز پری برای سام تبعات سنگینی به همراه دارد و خشم این پری زیبا را متوجه سام و پریدخت می کند تا آن جا که عالم افروز در صدد نابود کردن آن ها بر می آید.

• مقایسه عالم افروز و الهه ایشتر (Ishtar)

شخصیت عالم افروز در سام نامه با شخصیت الهه ایشتر - الهه آشوری، بابلی - قابل مقایسه است. ایشتر الهه عشق و جذابیت جنسی و جنگ است. او شخصیتی شهوانی توصیف گشته و حیوان مقدس او شیر است (مک کال، ۱۳۷۹:۳۵).

«او (ایشتر) را به گونه ای نشسته بر گردونه ای نمایانده‌اند که هفت شیر آن را می رانده‌اند و کمانی در دستش بود» (ژیران، ۱۳۷۵:۷۴).

«شخصیت او چندان مهرآمیز نبود. او در هر موقعیتی تحریک کننده و سرسخت بود و در برابر ناکامیابی شکیبایی اش را زود از دست می داد» (همان، ۷۵).

در داستان گیل گمش، شجاعت گیل گمش باعث می شود، ایزد بانوی آشوری، ایشتر، عاشق گیل گمش شود؛ اما گیل گمش تسلیم وسوسه ایشتر نمی شود و با صراحت عشق او را رد کرده و سرنوشت عشاق پیشین او را، به او یادآوری می کند (مک کال، ۱۳۷۹:۵۸).

«ایشتر بانو خدای در زیبایی او دید:

گیل گمش! بیا جفت من باش و نیاز من کن

آری! آن میوه تنت را نیاز من کن

تو مرد من باش که من به جان می خواهم جفت تو باشم...» (شاملو، ۱۳۸۴:۹۶)

گیل گمش به او پاسخ می دهد:

«نه! تو را من به زنی نخواهم خواست

تو یکی فسرده تابه‌ای بر سر یخ

یکی در ناتمامی که نه باد را مانع می شود، نه سرمای سوزان را

یکی برکشیده کاخی تو که جنگجو آن را پاره پاره می کند

یکی دستاری تو که پوشنده را خبه می کند...

کو آن دلدادۀ تو که تا به آخر دوستش همی داشتی؟...

بیا تا عاشقان خاکستر نشینت را به نام بر تو شماره کنم» (همان، ۹۷)

ایشتر خشمگین از این حقارت و صراحت، به آسمان می رود و از پدرش، انو، می خواهد وزرای

(گاو) آسمانی را برای کمک به او بفرستد تا گیل گمش را نابود سازد (مک کال، ۱۳۷۹:۵۸).

«ایشتر دهان گشوده به سخن در می آید و با انو خدای - پدر خویش - چنین می گوید:

ای پدر! نرگاو آسمانی را به من ده

تا گیل گمش را بکشد

و خانه اش را به آتش کشد!

اگر نرگاو آسمانی را به کمکم بازنسازی

حالی دروازه جایگاهش را بشکنم

به قلمروهای زیرین درآمده

مردگان موت را برانگیزم تا از زندگان چندان بردرند

که به شماره از مردگان همی برگذرند!» (شاملو، ۱۳۸۴:۱۰۰)

در سام نامه عالم افروز، پری زیبارویی است که چون شیفته سام است، خود را به شکل گورخری

زیبا درمی آورد تا سام را به سوی خود بکشاند. سام با دیدن زیبایی آن گورخر زیبا برای شکار کردنش

به دنبال او می رود. هنگامی که از یاران خود دور می شود عالم افروز چهره واقعی خود را به سام می

نمایاند و به او اظهار عشق می کند. در این اثنا سام تصویر پریدخت را بر پرده می بیند و دلباخته او

می شود و عالم افروز را از یاد می برد. عالم افروز که متوجه این امر می گردد، عنان اختیار از کف می

دهد و با خشم پرده را پاره می کند. اما سام که عاشق پریدخت شده دیگر به عالم افروز اعتنا نمی کند و

این امر موجب تحقیر شدن عالم افروز و برانگیخته شدن خشم بی پایان او می گردد.

او از راه های گوناگون برای جلب محبت سام استفاده می کند و سعی می کند، ذهن سام را از پریدخت بازدارد و به خود معطوف دارد. ابتدا به سام وعده ثروت و مقام می دهد و پس از مخالفت و سرسختی سام، او را تهدید می کند؛ اما توفیقی حاصل نمی کند و سام همچنان به پریدخت می اندیشد. هنگامی که سام حتی به تقاضای عالم افروز مبنی بر این که فقط ساعاتی را با او بگذرانند و او را کام دهد، وقتی نمی نهد، کاسه صبر عالم افروز لبریز می گردد و سام را با جادو گرفتار کرده و با شیوه های گوناگون شکنجه می دهد تا هم از عشق پریدخت دست بردارد و هم پرستش خدای یگانه را رها کرده و «شیر» را پرستش کند. همان طور که گفته شد، شیر حیوان مقدس الهه ایشتر است. از سوی دیگر پریدخت را در صندوقی گرفتار می کند و به دریا می افکند. سرانجام داستان عشق عالم افروز به سام با کشته شدن عالم افروز به دست سام پایان می پذیرد.

عالم افروز همان الهه ایشتر است با همان خصوصیات که در قالبی متفاوت به تصویر کشیده شده است. عالم افروز، زیبا، شهبانی، ناشکیبا و جنگاور است. در ابتدا با سام رفتاری مهربانانه دارد؛ اما زمانی که از سوی سام تحقیر می گردد، مانند یک دشمن با سام رفتار می کند و سعی می کند او و معشوقش را نابود کند.

۵- ضد قهرمان

قهرمان داستان ها و حماسه های کهن همواره با یک ضد قهرمان مواجه است. حضور ضد قهرمان در هر حماسه ضروری و اجتناب ناپذیر است. در داستان های اساطیری ضد قهرمانان عبارتند از: ازدها، غول، دیو، جادوگر، حیوانات عجیب الخلقه، اهریمن و یا یک حریف انسانی زورمند.

هراکلس در هر یک از خوان های خود با یک ضد قهرمان مواجه است. شیر نیمایی، مارآبی چند سر (هودره لرننا)، گراز هولناک، پرنندگان انسان خوار و... از مواردی هستند که او باید برای گذشتن از خوان ها بر آن ها فائق آید (برن، ۱۳۸۱: ۲۲).

کریشنا از دوران کودکی خود با ضد قهرمانانی روبه روست. اهریمن به شکل زن زیبایی در می آید و قصد دارد شیر زهرآلود خود را به دهان کریشنای نوزاد بگذارد. هیولایی به نام «تیرنورت» به هیأت گردبادی عظیم در می آید و قصد کشتن کریشنا را دارد (پیکولا، ۱۳۸۵: ۵۲).

در داستان گیل گمش، انکیدو به عنوان رقیبی برای گیل گمش خلق می شود تا جلوی اعمال

شورانه او را بگیرد.

در اوستا «در میان موجودات ناخوشایند، هیولاهای افسانه‌ای نیز بودند که پهلوانان انسانی با آن‌ها به جدال برمی‌خاستند. آن‌ها غالباً هیأت مار یا اژدها داشتند» (کرتیس، ۱۳۸۱: ۲۴).
در سام نامه نیز سام در هر بخش از سفر خود با یک موجود اهریمنی مواجه است که چاره‌ای جز جنگیدن با آن‌ها ندارد. نهنگال، عالم افروز پری، ژند جادو، عوج بن عنق، خاتوره، ارقم دیو، تبیل جادو، ابرها، شداد، طلاج، کلاب و... ضد قهرمانان حماسه سام هستند. سام ناگزیر به مبارزه با آن‌ها و شکست دادن آن‌هاست و گرنه از ادامه سفر باز می‌ماند یا کشته می‌شود. او با کمک گرفتن از راهنمایی‌های سروروش و استفاده از امداد غیبی بر همه آن‌ها پیروز می‌گردد.

• دیو و اژدها

نوعی از موجودات اهریمنی که قهرمان ناگزیر به روبه‌رو شدن با آن‌ها است، موجوداتی عجیب هستند که دیو و غول و هیولا نامیده می‌شوند. «دیو اصطلاحی است که ریشه در واژه باستانی دوا، به معنی خدا یا خدای دروغین دارد» (کرتیس، ۱۳۸۱: ۲۲).
برخورد با دیو در شاهنامه به دوران دو پادشاه اول اسطوره‌ای باز می‌گردد. سیامک فرزند کیومرث به دست دیو سیاه، بچه اهریمن کشته می‌شود. سپس هوشنگ فرزند سیامک به جنگ با دیو سیاه برمی‌خیزد و انتقام خون پدر را باز می‌ستاند (همان، ۵۳).
در اوستا اغلب هیولاهای اژدها مار یا اژدها دارند و مهمترین آن‌ها اژی دهاک بود. این دیو که در شاهنامه با نام ضحاک ظاهر می‌شود، در اوستا هیولای سه سری است که آدمی خوار است (همان، ۲۶).
در سام نامه دیوی وجود دارد که از جهاتی شبیه به اژدی دهاک اوستا و ضحاک شاهنامه است. در داستان جنگ سام با زنگیان، سر دسته آنان که «سمندان زنگی» نام دارد دیوی آدم خوار است که جوانان زیبا و پاکیزه رو را خودش می‌خورد؛ اما جوانان زشت روی را خوراک یاران خود می‌کند. سام با این دیو که میل دارد از اندام سام کباب تهیه کند، نبرد می‌کند و او را می‌کشد.
اژدهایی که سام با او نبرد می‌کند دارای هشت پا و دو سر است و هزاران خط و خال در پشت او وجود دارد و دمش چون نوک شمشیر تیز است. او از دهانش آتش می‌فشاند. خوراک این اژدها «مردم و چارپا» است. تیرهای سام بر تنش کارگر نمی‌افتد. بناچار سام با عمود خود با او مبارزه می‌کند.

برخی دیوان سام نامه شاخدار هستند. این امر در بسیاری از داستان‌ها و متون اسطوره‌ای دیده می‌شود. «در اوستا معروفترین نبرد گرشاسب نبرد با اژدهای شاخدار و کشتن این جانور است» (کرتیس، ۱۳۸۱: ۲۹). انجیل از بسیاری حیوانات شاخدار نام برده است... مار شاخدار در کتاب‌های کیمیاگری لاتین قرن شانزدهم به چشم می‌خورد» (یونگ، ۱۳۸۱: ۱۰۳).

در سام نامه دیوی به نام «ارقم» مشاهده می‌شود که دارای سری مانند اژدها و دو شاخ است. آن دیو دارای قدرت جادوگری است و می‌تواند خود را به هر رنگ و صورتی درآورد. سام هنگام مبارزه با او ابتدا شاخ دیو را می‌شکند، سپس او را از پای درمی‌آورد.

در سام نامه دیو دیگری به نام تَنْبُل دیو از شهر نیمه تنان وجود دارد. این دیو که در جادوگری مهارت فراوانی دارد، چشمان سام و یارانش را نابینا می‌کند و تا زمانی که دیو زنده است، این طلسم باطل نمی‌گردد. سرانجام با ترفندی که شمس به کار می‌برد، دیو به هلاکت می‌رسد و طلسم باطل می‌شود. این داستان شباهت زیادی به داستان رفتن کیکاوس به مازندران و نابینا شدن او و یارانش دارد. در شاهنامه رستم با کشتن دیو سپید و چکاندن خون جگر دیو در چشم کیکاوس او را از این گرفتاری‌های می‌بخشد.

دیو قابل ذکر دیگری که در سام نامه وجود دارد، عوج بن عنق است. از زمین تا زانوی این دیو یک فرسنگ راه است و طول پشت پای او صد ارش است. دریا فقط تا زانوی دیو می‌رسد و برای خوراک خود نهنگی را از دریا شکار می‌کند و در برابر خورشید بریان می‌کند و می‌خورد. سام در نبرد با او بسختی می‌تواند پیروز گردد. در سام نامه دو دیو دیگر به نام‌های مکوکال و نهنگال وجود دارد که دریا تا زانوی آن‌ها است.

مکوکال که دارای شاخ نیز هست و دریای چین تا زانویش می‌رسد، برادر دیوی به نام ژند جادو است که نهنگال گنجینه دژ می‌باشد. گنجینه جمشید جم که طلسم شده است در این دژ قرار دارد و از زمان گرشاسب دیگر کسی جرأت نکرده به سوی این دژ بیاید. سام ابتدا ژند جادو را می‌کشد و سپس در نبرد با مکوکال، شاخ او را می‌شکند و چنان بر زمینش می‌کوبد که استخوان‌هایش خرد می‌شود. نهنگال دیوی است که فغفور چین سر او را مهر دختر خود می‌کند و با این شرط در واقع قصد دارد سام را به کشتن دهد و از میان بردارد. این دیو که دل‌باخته پریدخت است، رقیب سام به حساب می‌آید. نهنگال دارای دو شاخ است و دریای چین تا کمر این دیو می‌باشد. سام بر این دیو نیز پیروز می‌گردد. در اوستا دیوی به نام «گندرو» یا «گندرب» وجود دارد که زرین پاشنه است. در زامیاد یشت گندرو

زرین پاشنه را که با پوزه گشوده برای تباه کردن جهان مادی راستی برخاسته بود، گرشاسب می کشد و بدان سبب فرّ کیانی گرشاسب مورد ستایش قرار می گیرد. گندرو دیوی آبی خوانده می شود و کشتن آن از کارهای سودمند گرشاسب یاد شده است. در آبان یشت گرشاسب روبروی دریای پیشینه صد اسب، هزار گاو و ده هزار گوسفند قربانی می کند و از اردویسور اناهیتا درخواست می نماید که بر گندرو زرین پاشنه ظفر یابد. اردویسور اناهیتا این کامیابی را ارزانی می دارد (عقیقی، ۱۳۷۴: ۶۱۱).

« ای آرد یسور اناهیتا! ای نیک! ای تواناترین!

مرا این کامیابی ارزانی دار که من بر گندروی زرین پاشنه در کرانه دریای پر خیزاب فراخ کرت پیروز شوم که من بر این سرزمین پهناور گوی سان دور کرانه، تاخت کنان به خانه استوار دروُتد برسم» (دوستخواه، ۱۳۸۲: ۳۰۴).

در اوستا گروهی شرور مؤنث نیز بودند که پشیریکا نامیده می شدند (فارسی جدید آن پری). این گروه شبیه جادوگران بودند و با هیأت های مختلف ظاهر می شدند. گاهی اوقات خود را زیبا می کردند تا انسان ها را اغواء کنند و به آن ها زیان برسانند و در سنت های بعدی ایران غالباً زیبایی آن ها ستایش شده است (کرتیس، ۱۳۸۱: ۲۲). در سام نامه پری زیبایی به نام عالم افروز وجود دارد که در ابتدای داستان خود را به شکل گورخری زیبا به سام می نمایاند. عالم افروز پری سرشتی اهریمنی دارد و هنگامی که سام با دیدن تصویر پریدخت بر پرده مبهوت زیبایی پریدخت و دلباخته او می شود، عالم افروز این امر را در می یابد و فوراً پرده را پاره می کند و در مقابل سرزنش سام اظهار می دارد که «این پرده را دیو اندر نهفت». این پری دارای قدرت جادوگری نیز می باشد و هنگامی که سام عشق او را در می کند از این قدرت خود برای آزار دادن سام استفاده می کند.

۶- موارد دیگر

• سیمرغ

یکی از موجودات افسانه‌ای متون زرتشتی پرنده ای افسانه ای به نام سئین (سیمرغ) است. یک باز بزرگ که اهمیتی ویژه دارد. او بر فراز درخت همه تخمه لانه دارد و با بر هم زدن بال های خود بذرها را می پراکند. سپس این بذرها به وسیله باد و باران در زمین توزیع می شوند. در شاهنامه نیز با یک پرنده افسانه‌ای مشابه مواجه می شویم که قدرت های ماوراء طبیعی دارد و در داستان سام و زال و همچنین زال و رستم نقش مهمی ایفا می کند (کرتیس، ۱۳۸۱: ۲۳). سیمرغ در نبرد رستم و اسفندیار

نیز حامی رستم و خاندانش است و علاوه بر این که بر خود را بر زخم های رستم و رخس می مالد و آن ها را معالجه می کند، راز چیرگی رستم بر اسفندیار را نیز به رستم می آموزد (همان، ۵۸).
سیمرغ سام نامه شاه مرغان است و پر و بال او چهار فرسخ است و قدرت سخن گفتن با آدمیان را دارد. در سام نامه سیمرغ گرفتار ارقم دیو گشته است و این دیو سه نوبت بچه های سیمرغ را خورده است. سیمرغ از سام استمداد می طلبد و در ازای این لطف او را به سوی پریدخت راهنمایی می کند و در نسل های بعد حامی فرزند و نوه اوست. این وعده در شاهنامه در داستان زال و داستان های رستم نمود پیدا کرده است. توصیف سیمرغ در سام نامه چنین است:

نگه کرد مرغی بغایت بزرگ	که پر رنگ بُد پیکر او سترگ
همه نقش مرغان که در روزگار	ز صنع آفریدست در روزگار
همه بر پر و بال او نقش بود	یکی قدرتی از جهان بخش بود

(خواجوی کرمانی، ۱۳۲۹: ۱۸۱)

• جمشید

جمشید شاهنامه که در اوستا با نام یمه حضور دارد، در سام نامه نیز در رؤیاهای سام حضور دارد. در اوستا، یمه پادشاهی است که بر همه جهان فرمان می راند. پس از گذشت سیصد سال از دوران فرمانروایی او که جهان با ازدحام بیش از حد آدمیان و حیوانات و پرندگان مواجه شده است، با عصا و شلاق زرین خود جهان را به اندازه یک سوم آن فراخ تر می کند. دو بار دیگر پس از گذشت ششصد و نهمصد سال جهان را باز هم فراخ تر می کند. سپس جمشید با دروغ گویی مرتکب گناه می شود و فره او را ترک می کند (کرتیس، ۱۳۸۱: ۲۸). در اوستا جمشید نامیراست؛ اما در فرهنگ عامیانه ایرانی و شاهنامه فردوسی جمشید مرتکب گناه می شود و می میرد (همان، ۲۹). در سام نامه جمشید مرده است و فقط در رؤیای سام حضور دارد. سام در خواب جمشید را در باغی و نشسته بر تختی زرین می بیند. جمشید در خواب با سام گفتگو می کند و به او می گوید که هفتصد سال بر دیو و پری حکمرانی کرده است و در هر گوشه از زمین گنجی نهاده است. جمشید اظهار می دارد که در دنیا سه چیز ساخته است: اول: جام گیتی نمای که همه راز جهان در آن قرار دارد و سام می تواند در نوروز در مکان خلوتی در آن بنگرد و راز گیتی را ببیند و سرنوشت خود را نیز مشاهده کند. دوم: تیغ تیز و برنده ای است که باطل کننده مکر جادوگران است. سام می تواند از این تیغ استفاده کند؛ اما باید برای نسل های بعد نیز به یادگار بماند تا از آن بهره ببرند؛ بویژه برای نوه سام، رستم که قادر است جهان را از دیو و دد پاک

کند. سوم: طلسمی که جمشید در این سرزمین بسته است و شامل گنجینه ای پر از درّ و گوهر است. سام می تواند سهم خود را از این گنج بردارد و در آینده دلیری دیگر از نسل سام دیگر طلسمات را با زور خود می گشاید.

سام به تیغ و گنجینه جمشید دست می یابد و با این تیغ بسیاری از دشمنان غول آسای خود را شکست می دهد. حتی در بخشی از داستان سام خفتان جمشید را به تن دارد؛ اما اثری از جام گیتی نمای در سام نامه مشاهده نمی شود.

نتیجه گیری

با مطالعه داستان سام نامه و مقایسه آن با داستان ها و حماسه های کهن اساطیری در می یابیم که شباهت های فراوانی بین آن ها وجود دارد. سام نامه هم در ساختار کلی و هم در جزئیات و شخصیت ها از ویژگی های داستان های اسطوره ای بهره مند است.

۱- ساخت کلی داستان: سفر دور و دراز و حوادث پی در پی و شگفت انگیز این سفر و رویارویی با موجودات اهریمنی و شرور شباهت بسیاری به داستان اودیسه دارد. سام نامه در زمینه ازدواج از الگوی ازدواج برون همسری تبعیت می کند. ربوده شدن دختری زیبا به دست یک دیو و تلاش قهرمان برای نجات دختر و در نهایت ازدواج با او از دیگر شباهت های کلی این اثر با اسطوره های کهن است.

۲- انسان خدا: انسان خدایان اسطوره ای موجوداتی نیمه الهی بودند که قدرتی فوق طبیعی داشتند. در داستان های اساطیری غالباً دارای دودمانی عالی هستند و از نیروی جسمانی فوق العاده ای برخوردار می باشند. شخصیت اخلاقی سام و ویژگی های ظاهری او، اعمال خارق العاده و داشتن نژادی عالی و اصل و نسبی اشرافی انسان - خدایان اساطیری را به ذهن می آورد و گویای این امر است که سام پهلوانی فوق انسانی و برخوردار از حمایت نیروهای ماوراء طبیعی است.

۳- نیروهای متافیزیکی: ناتوانی قهرمان در اسطوره ها توسط نیروهای پشتیبان جبران می گردد. این نیروها همان نیروهای متافیزیکی هستند. یک جنبه از این نیروها شامل غیبگویی ها، پیش بینی ها، رؤیاها و راهنمایی ها است که در سام نامه توسط سروش انجام می گیرد. در اساطیر پیشگویی ها توسط خدایان و الهگان یا توسط عوامل واسطه ای انسانی صورت می پذیرد. جنبه دیگر نیروهای متافیزیکی شامل حمایت برخی خدایان و الهگان از قهرمان داستان است. در سام نامه سام توسط امداد غیبی، یاران

باوفای خود و زنانی که شیفتهٔ سام هستند حمایت می‌گردد. در سام نامه نیروهای متافیزیکی به شکل سروش، که در رؤیاهای سام او را راهنمایی می‌کند و امداد غیبی مشاهده می‌شود. علاوه بر آن سام توسط یاران باوفای خود و زنانی که شیفتهٔ او هستند یاری و حمایت می‌گردد.

۴- نقش زنان و ایزد بانوان: زنان سام نامه هم از لحاظ خصوصیات ظاهری و هم از لحاظ کارکرد شباهت فراوانی به ایزدبانوان داستان‌های اساطیری دارند. آنان که ظاهری زیبا و دل‌پسند دارند، از خردمندی و تدبیر و شجاعت و جنگاوری قابل ملاحظه‌ای برخوردارند. زنان داستان سام نامه نقش مؤثری در رسیدن سام به هدف دارند. در میان آنان پری زیبایی به نام افروز وجود دارد که دل‌باختهٔ سام است؛ اما سام به عشق او وقعی نمی‌نهد و این امر عالم افروز را بشدت خشمگین می‌کند و باعث می‌گردد که او درصدد انتقام برآید. شخصیت این پری شباهت فراوانی با الهه آشوری، ایشتر دارد. ایشتر الهه مادر و عشق و جنگ در اساطیر آشوری- بابلی است.

۵- ضد قهرمان: از شخصیت‌های تفکیک‌ناپذیر داستان‌های اساطیری ضدقهرمانان هستند. آنان موجوداتی اهریمنی و شریر هستند که اغلب به صورت دیو، پری، اژدها و جادوگر نمایان می‌شوند و بر سر راه قهرمان قصه قرار می‌گیرند و او را ناگزیر به مبارزه می‌کنند. سام در طول سفر خود با چنین موجودات مخوفی رو به رو می‌شود و با آنان به نبرد می‌پردازد. دیوانی که در سام نامه وجود دارند، شباهت‌های کلی با هیولاها و غول‌های دیگر داستان‌های اساطیری دارند. در سام نامه دیوی آدم‌خوار به نام سمندان زنگی وجود دارد که شباهت زیادی به اژی‌دهاک اوستا و ضحاک شاهنامه دارد. این دیو توسط سام به هلاکت می‌رسد.

از دیگر موجودات اهریمنی داستان سام نامه اژدهایی است که دارای هشت پا و دو سر و خط و خال فراوان بر پشت می‌باشد و سام او را نابود می‌کند. ارقم دیو که سری مانند اژدها دارد و دارای دو شاخ است، در جادوگری تواناست و می‌تواند خود را به هر شکلی درآورد. سام با این دیو مبارزه می‌کند و سیمرخ را از آزارهای او می‌رهاند. در تمام مواردی که دیو دارای شاخ است، سام ابتدا شاخ او را می‌شکند و سپس او را از بین می‌برد. گویی با شکستن شاخ دیو بخش اصلی قدرت او نیز از بین می‌رود و بنابراین قهرمان موفق می‌شود او را از پای درآورد. مکو کال دیو، نهنگال و عوج بن عنق از دیوان آبی سام نامه هستند که قابل مقایسه با گندرو دیو می‌باشند که در اوستا از گرشاسب شکست می‌خورد و گرشاسب به این جهت مورد تقدیر قرار می‌گیرد. تنبل دیو که از نیمه تنان است کارکردی شبیه دیو سپید در شاهنامه دارد. او با جادو چشم سام و یارانش را نابینا می‌کند و فقط با کشته شدن دیو

این طلسم باطل می‌شود. شمسه با وعده ازدواج این دیو را می‌فریبد و او را می‌کشد. از خیل پریان نیز فقط یک پری در سام نامه نقش دارد که همان عالم افروز پری می‌باشد. این پری زیبا که عاشق سام است، مورد بی‌مهری سام قرار می‌گیرد به همین جهت کینه سام و پریدخت را به دل می‌گیرد و سعی در از بین بردن این دو دلداره دارد؛ اما سرانجام به دست سام کشته می‌شود. البته در سام نامه تعدادی دیو دیگر نیز وجود دارد که مهمترین آن‌ها ذکر شد.

۶- **سیمرغ:** از دیگر موجودات اسطوره‌ای سام نامه سیمرغ است. این پرنده افسانه‌ای در اوستا و شاهنامه نیز وجود دارد. سیمرغ در سام نامه برای نابود کردن ارقم دیو که بچه هایش را می‌خورد، از سام کمک می‌طلبد و در ازای این کمک سام را به سوی دلبر خود رهنمون می‌شود و در نسل‌های بعد نیز فرزندان سام را حمایت می‌کند.

۷- **جمشید:** جمشید جم نیز در سام نامه، در رؤیاهای سام حضور دارد. در سام نامه سه چیز از جمشید در دنیا به‌ادگار مانده است. اول جام گیتی نما که همه رازهای جهان در آن قرار دارد. دوم تیغ جمشید که می‌تواند مکر جادوگران را باطل کند. این تیغ باید برای نسل‌های بعدی؛ بویژه برای رستم به‌ادگار بماند. سوم طلسمی از جمشید که گنجینه‌ای از زر و گوهر فراوان است و سام باید سهم خود را از آن بردارد و بقیه آن را برای نسل‌های بعد بگذارد. در سام نامه از قول جمشید گفته می‌شود که او هفتصد سال بر جهان حکمرانی کرده است.

منابع

- ۱- آموزگار. ژاله. (۱۳۸۶). *تاریخ اساطیری ایران*. تهران: انتشارات سمت، چاپ نهم.
- ۲- برن. لوسیا. (۱۳۸۱). *اسطوره‌های یونانی*، مترجم، عباس مخبر، تهران: نشر مرکز، چاپ دوم.
- ۳- بهار. مهرداد. (۱۳۸۷). *پژوهشی در اساطیر ایران*، تهران: انتشارات آگاه، چاپ هفتم.
- ۴- پیکولا. دالا. (۱۳۸۵). *اسطوره‌های هندی*، مترجم: عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.
- ۵- خواجوی کرمانی، ابوالعطاء کمال‌الدین محمود. (۱۳۱۹). *سام نامه*، با تصحیح و مقابله اردشیر بن شاهی، بمبئی.
- ۶- دوستخواه. جلیل. (۱۳۸۲). *اوستا کهن ترین سرودهای ایرانیان*، تهران: انتشارات مروارید، چاپ هفتم.

- ۷- رستگار فسایی، منصور. (۱۳۷۰). «یک داستان با دو نام»، در مجموعه مقالات ویژه کنگره جهانی بزرگداشت خواجهی کرمانی، کرمان: دانشگاه شهید باهنر کرمان، ج ۱، ص ۳۹.
- ۸- روزنبرگ. دونا. (۱۳۸۶). **اساطیر جهان: داستان ها و حماسه ها**، مترجم عبدالحسین شریفیان، تهران: انتشارات اساطیر، چاپ دوم.
- ۹- ژیران، ف، لاکوئه، گ، دلاپورت، ل. (۱۳۷۵). **فرهنگ اساطیر آشور و بابل**، مترجم: ابوالقاسم اسماعیل پور، تهران: انتشارات فکر روز، چاپ اول.
- ۱۰- سرکاراتی، بهمن. (۱۳۷۰). «سام نمونه‌ای از یلان سترگ» مجموعه مقالات ویژه کنگره جهانی بزرگداشت خواجهی کرمانی، کرمان: دانشگاه شهید باهنر کرمان، ج ۱، ص ۳۲.
- ۱۱- شاملو. احمد. (۱۳۸۴). **گیل گمش**، تهران: نشر چشمه، چاپ سوم.
- ۱۲- شمیسا. سیروس. (۱۳۸۳). **انواع ادبی**، تهران: انتشارات فردوس، چاپ دهم.
- ۱۳- صفا. ذبیح الله. (۱۳۸۴). **حماسه سرایی در ایران**، تهران: انتشارات امیرکبیر. چاپ هفتم.
- ۱۴- عفیفی. رحیم. (۱۳۷۴). **اساطیر و فرهنگ ایران در نوشته های پهلوی**، تهران: انتشارات توس، چاپ اول.
- ۱۵- فریزر. جیمز جرج. (۱۳۸۷). **شاخه زرین**، مترجم کاظم فیروزمند، تهران: انتشارات آگاه، چاپ پنجم.
- ۱۶- کرتیس. وستا. (۱۳۸۱). **اسطوره های ایرانی**، مترجم: عباس مخبر، تهران: نشر مرکز، چاپ سوم.
- ۱۷- گویری. سوزان. (۱۳۷۹). **آناهیتا در اسطوره‌های ایرانی**، تهران: انتشارات جمال الحق، چاپ سوم.
- ۱۸- مک کال. هنریتا. (۱۳۷۹). **اسطوره های بین النهرینی**، مترجم: عباس مخبر، تهران: نشر مرکز، چاپ سوم.
- ۱۹- نیرسینا، هدایت الله. (۱۳۵۳). «سام نامه خواجهی کرمانی»، به کوشش دکتر علی محمد صادقیان، مجموعه مقالات چهارمین کنگره تحقیقات ایرانی، شیراز: دانشگاه شیراز، ج ۱، ص ۹-۲۰۱.
- ۲۰- یونگ. کارل گوستاو. (۱۳۸۱). **انسان و سمبول هایش**، مترجم: محد سلطانیه، تهران: انتشارات جامی، چاپ سوم.